

## گزیده‌ای از سخنرانی جرج بوش، رییس جمهور آمریکا در شورای مرکزی پیمان ناتو (بروکسل) ۱۳ ژوئن ۲۰۰۱

\*\*\*\*

باتشکر از دبیر کل ... من قبلاً دیدگاههای خود را در مورد مسیری که متحدانمان باید طی کنند به اطلاع رسانده‌ام. در حال حاضر، قصد دارم فقط چند دقیقه‌ای وقت شمارا بگیرم و در باره پنج مورد چالش (Challenge) که بر خورد با آنها برای تحقق اهدافمان ضروری است، صحبت کنم.

۱. اول این که باید طرز تفکرمان را تغییر دهیم تا بتوانیم با نیازهای قرن جدید هماهنگ شویم. البته در حال حاضر مسئله‌ای به صورت «جنگ سرد» نداریم؛ اتحاد جماهیر شوروی از بین رفته و دیگر جریان «موازنه وحشت اتمی» مطرح نیست، ولی دنیا با تهدیدهای جدیدی روبه روست؛ مثلاً هم اکنون کشورهای زیادی در صحنه جهانی به وجود آمده‌اند که برخی از حداقل احساس مسئولیت عاری هستند. در بین آنها کشورهایی وجود دارد که به تولید تسلیحات اتمی و بیولوژیک مشغولند و بعضی نیز به دلیل برخورداری از فن آوری موشکهای هدایت شونده، قادر به پرتاب تسلیحات مذکور به وسیله موشک هستند. بقیه به افزایش توانایی خود برای استفاده از تروریسم در ارتباطات اطلاعاتی (Cyber Terrorism) مشغولند.

بنابراین، باید با یکدیگر همکاری داشته باشیم تا قدرت برخورد با این اوضاع واحوال تهدیدکننده و نیز توان برطرف کردن آنها را به دست آوریم. برای این کار هم لازم است تعهدات و

الزامات گذشته خود را مورد ارزیابی قرار دهیم. مثلاً پیمان سال ۱۹۷۲ مربوط به موشکهای ضد بالستیک (ABM) همواره باعث شده که نتوانیم از امکانات تکنولوژیک خود برای کنترل مواردی که ذکر کردم استفاده کنیم. این پیمان، گرچه باعث شده بود یک موازنه اتمی بین دو ابر قدرت متخاصم برقرار شود، ولی امروز که روسیه دیگر دشمن، به حساب نمی آید به عقیده من باید به عنوان یک همکار به کمک بیاید تا بتوانیم با چالشهای جدیدی که ذکر کردم مواجه شویم.

به همین جهت من از همه شما تقاضا می کنم که به اهمیت موضوع توجه داشته باشید و نیز کمک کنید تا برای تحقق اهداف مورد نظر، پژوهشهای لازم انجام شود و سیستمهایی ارتقا یابد که بتواند ما را از تهدید «سلاحهای کشتار جمعی» (WMD) محفوظ بدارد. در این راه خواهان جلب اعتماد شما در تمام مقاطعی هستیم که برای مشاوره به سویتان می آیم و نیز از شما می خواهیم به من کمک کنید تا بتوانم ولادیمیر پوتین را قانع کنم که طرز فکرش را تغییر دهد و برای خنثی کردن تهدیدهای مرگبار آنجنانی به ما بپیوندد. هم اکنون هدف مشترک، انتقال آرام از پیمان ABM به سوی یک چارچوب امنیتی جدید برای قرن جدید است. یعنی به جای استقرار مبانی امنیتی خود بر پایه تولید تسلیحاتی - که قدرت نابودی میلیونها انسان غیر نظامی را دارد می خواهیم به جهتی حرکت کنیم که نتیجه اش: عدم تکثیر سلاحهای کشتار جمعی و جلوگیری از تکثیر این سلاحها توسط دیگران؛ کاهش اتکا به سلاحهای تهاجمی؛ اقدامات دفاعی محدود ولی موثر و نیز شفافیت بیشتر مواضع در مقابل ملت‌های مسئولیت پذیر باشد، تا بتوانیم اعتماد فراوان آنها را جلب کنیم. در این زمینه، بیش از پیش به برنامه سپر دفاعی موشکی به عنوان یک چارچوب جدید متکی هستیم و معتقدم اجرای این برنامه در دنیای فعلی به قدرت بازدارندگی کشورها خواهد افزود.

۲. چالش دوم، کوشش در راه رساندن این پیام به گوش رهبران روسیه و نسل جدید آن کشور است که: روسیه فقط در این صورت آینده ای خواهد داشت که به سمت ما و اروپا بیاید و البته اگر مسکو بخواهد شریک ما باشد، لازم است مسئولیت خود را در قبال آزادی و استقرار دموکراسی بشناسد و با همسایگانش روابط صلح آمیز برقرار کند. در عین حال، ما باید روابط خود را با اوکراین و سایر کشورهای صلح خواه تقویت کنیم.

۳. سومین چالش، کوشش در جهت تثبیت قدرتمان است و در این راه همه ما باید بودجه های سنگینی را تدارک ببینیم تا نیروهایی توانا، قابل انعطاف و سیال برای مقابله با هر نوع دشمن آینده در اختیار داشته باشیم. همچنین لازم است تمام سدها را از میان برداریم تا بتوانیم از ضرورت همکاریهای صنعتی میان کشورهای واقع در دو طرف اقیانوس اطلس دفاع کنیم. زیرا مسئله این نیست که مردم خواهان خرید جنس آمریکایی یا اروپایی باشند؛ ما باید شرایطی را فراهم کنیم که همه طالب اجناس تولید شده در دو طرف اقیانوس اطلس (ترانس آتلانتیک) باشند. برای این کار لازم است بازاری به وجود آوریم که با مشارکت کمپانیهای اروپایی و آمریکای شمالی، پیشرفته ترین سیستمها با ارزانترین نرخ، تولید و عرضه شوند. ما می توانیم ترانس آتلانتیک را نیز به عنوان یک هدف مهم تلقی کنیم و تقویت آن را در قالب یک سیاست امنیتی-دفاعی اروپایی مدنظر قرار دهیم. در این مورد ایالات متحده آمریکا از یک نیروی اروپایی کار آمد که به خوبی با نیروهای ناتو همگام باشد، استقبال می کند. زیرا در چنین حالت وقتی نمی توان ناتورا به عنوان نیروی پیش برنده به کار گرفت، گزینه جدیدی برای کنترل بحرانها مطرح خواهد بود. چنین نیرویی طبعاً نیاز به همت کلیه اعضای اروپای متحد دارد که منابع ضروری را به کار بگیرند تا بتوانند بدون تعلل و دوباره کاری تمام تواناییهای حقیقی خود را به نمایش درآورند. چنین نیرویی باید چنان فراگیر باشد که تا حد امکان مجموعه ای از تمام متحدان اروپایی مشتاق مشارکت در آن را به کار گیرد. امنیت، غیر قابل تقسیم است، بنابراین، همگی باید در راه تأمین امنیت خود با یکدیگر همکاری کنیم.

۴. چهارمین چالش، به جنوب شرقی اروپا مربوط می شود. ما اروپای جنوب شرقی را به عنوان بخشی از مجموعه اروپای آزاد و صلح خواه می نگریم و معتقدیم که تغییرات دموکراتیک در زاگرب و بلغراد، این نگرش را به واقعیت نزدیک کرده است. با این حال، هنوز ناآرامیها و ناشکیباییهای قومی برقرار است و دموکراسیهای جوان با چالشهای فراوانی در مقابله با جنایتهای سازمان یافته و نیز ایجاد شرایط مطلوب برای رشد اقتصادی روبه رو هستند. جنایتهای جنگی هنوز به مقیاس وسیعی صورت می گیرد و باید در مقابله با آنها از حربه قانون استفاده شود. ما مشغول اقدام هستیم تا افراطیونی را که در مقدونیه و نقاط دیگر در صدد به کارگیری

اعمال خشونت آمیز برای تغییر مرزها یا عقیم گذاردن روند دموکراسی هستند، سر جای خود بنشانیم. من شخصاً به لرد ابرتسون و ژنرال رالستون و نیروهای حافظ صلح در کوزوو (KFOR) دستورد اده ام که کمک کنند تا هر چه زود به ناآرامیهای منطقه جنوبی صربستان خاتمه داده شود. در عین حال که باید به همکاریهای خود با خاورسولانا و اتحادیه اروپا ادامه دهیم، برای کسب نتایج بهتر نیز لازم است ناتو نقش فعالتر و آشکارتری در کمک به دولت مقدونیه عهده دار شود تا این دولت بتواند بر ناآرامیهای موجود فایق آید. در مورد نگرانیهای ما نسبت به اوضاع بوسنی و کوزوو، پاول وزیر خارجه در ماه فوریه امسال طی سخنانی در همین سالن اظهار کرد که ما با هم به این ماجرا کشیده شدیم و باید با هم از آن فارغ شویم. من هم این گفته را امروز تأیید می کنم و معتقدم که ضروری است همه به اتفاق در صدد ایجاد شرایط لازم برای صلح باشیم و از این نظر وضعیتی فراهم کنیم که نیازی به ایجاد پایگاههای دائمی نیروهای ناتو در منطقه نباشد. کوشش ما در این راه باید از جهتی حمایت از سازمانهای غیر نظامی بین المللی را مدنظر قرار دهد و از جهت دیگر بر حمایت از رهبران و تشکیلات محلی برای احساس مسئولیت بیشتر متمرکز باشد. این تغییرات، موجب می شود که در بوسنی نیروهای حافظ صلح صربستان بتوانند قدرت بازدارندگی خود را به خوبی اعمال کنند و همزمان با احساس مسئولیت بیشتر توسط اهالی کوزوو، ما خواهیم توانست وضعیت ساختاری نیروهای خود را بیازماییم و با استفاده از آنها در صدد یافتن راه حلی برای موقعیت آتی کوزوو برآییم.

۵. در پراگ - که ما آن را به عنوان جدیدترین عضو پیمان ناتو ارج می نهیم - با پنجمین چالش خود که چیزی جز گسترش قلمرو متحدانمان نیست، روبه رو هستیم. ما باید به کوشش خود در راه یافتن اعضای جدیدی برای پیمان ناتو که توانایی و اشتیاق تحکیم قدرت متحدانمان را داشته باشند، بیفزاییم. این مجموعه باید شامل همه دولتهایی شود که از نظر تاریخی و جغرافیایی در مجموعه اروپا قرار می گیرد و هیچ یک نیز نباید از حق وتو برخوردار باشند. من از این نظر با لرد ابرتسون هم عقیده ام که همه کشورهای مشتاق عضویت در ناتو لازم است کارهای زیادی انجام دهند. از جمله باید به گونه ای عمل کنند که در سلک دموکراسیهای بازار آزاد درآیند و نیز با اتباع خود و همسایگانشان رفتاری صلح آمیز داشته باشند. از دیگر اقدامات آنها، یکی هم

این است که در زمینه نظامی، سیاسی و اقتصادی دست به اصلاحات ضروری بزنند تا صلاحیت لازم برای عضویت در ناتو را به دست آورند که در این مورد می‌توانند ضوابط مندرج در «برنامه عضویت» را راهنمای عمل قرار دهند... متشکرم



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی